

کنکاش آرای مرحوم صاحب جواهر و مرحوم خویی (رحمت‌الله علیهما) پیرامون حکم تقدم زن بر مرد در نماز فردا

علی احمد متقی - نوری (افغانستان)^۱

چکیده

نماز از ارکان دین است و در اسلام هیچ عملی پس از خداشناسی به پای آن نمی‌رسد به گونه ای که قبولی و رد بقیه‌ی اعمال بستگی به قبول شدن یا نشدن نماز انسان دارد؛ لذا به گونه‌ای گسترده در مباحث فقهی مورد بحث قرار گرفته است. یکی از مسائلی که ضمن آن بررسی می‌گردد و از شرایط آن است مکان نمازگزار است که از فروعاتی که در مکان نماز گزار مطرح می‌گردد، تقدم زن بر مرد در نماز فردا است که بخاطر مبتلا به بودن آن حائز اهمیت است. مقاله حاضر با در نظر داشتن این مسئله، به بررسی پاسخی برای این پرسش پرداخته است که از نظر دو تا از فقهای نامدار امامیه یعنی مرحوم صاحب جواهر و مرحوم خویی، تقدم زن بر مرد در نماز فردا چه حکمی دارد؟ به نظر می‌رسد که مرحوم صاحب جواهر تقدم زن بر مرد را بلا اشکال و مرحوم خویی قایل به تفصیل در مسئله است. بر این اساس، در این مقاله تلاش شد تا با بررسی نظریات این دو فقیه و مقایسه ی آنها در مسأله ضمن نوآوری‌هایی در تقسیمات فروعات مسأله، مخاطب را متوجه اشتراک و جدایی نظر این دو فقیه نموده و برای رسیدن به این هدف از روش تحقیق کیفی - توصیفی استفاده شد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که مرحوم صاحب جواهر تقدم را جایز اما مکروه می‌دانند؛ ولی مرحوم خویی در صورت فاصله‌ی کمتر از یک شبر حرام و مفسد و در فاصله‌ی یک شبر و بیشتر از آن جایز و مکروه میدانند.

واژگان کلیدی: تقدم زن بر مرد، نماز فردا، مرحوم صاحب جواهر، مرحوم خویی، ذراع، شبر

مقدمه

نماز از اصول و ارکان دین اسلام است که معیار پذیرش و عدم پذیرش اعمال دیگر معرفی شده است؛ به گونه‌ای که اگر نماز انسان پذیرفته نشود، بقیه‌ی اعمال عبادی انسان پذیرفته نمی‌شود ولی اگر نماز پذیرفته شود بقیه اعمال عبادی انسان هم پذیرفته می‌شود. لذا از مبتلا به‌ترین امور جاری در زندگی همه‌ی مسلمانان است.

^۱ دانشجوی کارشناسی رشته فلسفه و عرفان اسلامی، مجتمع آموزش عالی حکمت و مطالعات ادیان، جامعه المصطفی العالمیه، کابل، افغانستان،

شرایط، احکام و فروعات متعددی راجع به مسئله نماز مطرح است که محققین و پژوهشگران از جهات گوناگون و عرصه‌های فقهی، روان‌شناختی، تأثیر اجتماعی و... به بررسی آن پرداخته‌اند که یکی از فروعات مطرح در آن، مسأله‌ی تقدم زن بر مرد در نماز فرادا است که معمولاً در ضمن مسئله‌ی مکان نمازگزار مطرح می‌گردد.

علت اهمیت یافتن این مسأله از این روست که از مورد ابتلا‌ترین مسائل در بین مردم است و مردمی که پنج وقت در روز ملزم به ادای نماز هستند مسلماً با تقارن نماز مرد و زن در یک مکان این سوال مطرح می‌گردد که تقدم زن در مکان بر مرد در حین نماز جایز است یا خیر.

با توجه به این اهمیت، ضروری است که راجع به مسئله این تحقیق در سایه منابع فقهی صورت بگیرد تا دانسته شود که حکم مسئله چیست؟ و در این زمینه پژوهش‌هایی صورت گرفته است نظیر رساله علمی تحت عنوان «تقدم مرد بر زن در نماز از دیدگاه مذاهب اسلامی» سید یاسین سجادی؛ اما در ضمن بررسی حکم نماز مرد؛ ولی تحقیقی در این زمینه به گونه‌ی مستقل نشده است که حکم زن در صورت تقدم بر مرد در نماز چیست؟ گذشته از اینکه نظر تطبیقی دو فقیه در این مسأله بررسی شده باشد.

بر این اساس، در پژوهش حاضر با ارائه‌ی دسته‌بندی متفاوت در برخی فروعات مسأله و بیان چند حکم مبتلا به سعی می‌گردد در تبیین مسأله اقدام شود.

از حیث روش شناسی نیز این پژوهش به روش توصیفی انجام شده است که تلاش می‌شود اشتراکات و افتراقات نظر دو تا از اعلام شیعه (مرحوم صاحب جواهر و مرحوم خویی) در این زمینه بیان شود؛ همچنین موانع جریان حکم نیز بیان شده و دخالت اجنبیت و صحت نماز مرد در جریان این حکم نیز بررسی می‌گردد.

مبانی نظری پژوهش

به منظور تبیین بهتر مسأله، به بررسی چند کلید واژه اصلی پژوهش پرداخته می‌شود:

- «حکم»، مصدر از ریشه‌ی «حَ کَ مَ»، به معنای قضاوت کردن، بازداشتن، فرمان دادن، دانش و حکمت است. (خلیل بن احمد، ۱۴۰۹، ج ۳: ۶۶؛ ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۲: ۹۱؛ ابن منظور، ج ۱۲: ۱۴۱) و در اصطلاح فقهی، حکم عبارت است از قانونی که از جانب خداوند برای بندگان خدا صادر شده است. (شهرکانی، ۱۴۳۰: ۳۱)
- «تقدم» در لغت اول بودن شیء، سیر کردن به طرف جلو و ترقی و تطور و پیش شدن آمده است و معنای اصطلاحی آن با معنای لغوی آن تفاوتی ندارد. (جمعی از پژوهشگران، ۱۴۲۳، ج ۳۰: ۲۸۲)

- «تقدم زن بر مرد در نماز» به این معنا است که زن و مردی همزمان نماز بخوانند به گونه‌ی که مکان نماز زن نسبت به مکان نماز مرد جلوتر باشد.
- «نماز» معادل فارسی صلاة است و صلاة در لغت به معنای دعا کردن است و در اصطلاح فقه و شرع (که مراد ما هم همین معنا است) عبارت است از عمل عبادی مرکب از اجزائی که مشروط به شروط و مقید به عدم موانع و قواطع است (شهرکانی، ۱۴۳۰: ۲۳۰) و نماز فرادا یعنی نمازی که فرد به تنهایی بدون اقتدا به کسی و بدون اینکه کسی به او اقتدا کند می‌خواند.
- «صاحب جواهر»؛ محمد حسن فرزند شیخ محمد باقر نجفی (متولد ۱۲۰۰ یا ۱۲۰۲ و متوفای ۱۲۶۶ هجری قمری) مشهور به «صاحب جواهر»، از فقهای نام‌آور شیعه در قرن سیزدهم هجری قمری بود ایشان از علمایی همچون سید محمد جواد عاملی، شیخ جعفر کاشف الغطاء، سید حسین شقرایی عاملی، وحید بهبانی، سید بحر العلوم و دیگران دانش علوم دینی آموخته. و در بیست و پنج سالگی به درجه اجتهاد رسیده و نوشتن کتاب جواهر الکلام را آغاز نموده است و ایشان ریاست مرجعیت شیعه در عصر خود را بر عهده داشتند و ایشان تألیفات بسیاری داشتند که مهمترین آن‌ها کتاب جواهر الکلام است که به خاطر این کتاب، ایشان به «صاحب جواهر» معروف شدند که این کتاب دائرة المعارف فقه شیعه نامیده می‌شود و معتبرترین متن درسی عالی‌ترین سطح دروس حوزه‌های علمیه‌ی شیعه، یعنی درس خارج فقه است. (ویکی فقه)
- «مرحوم خویی»؛ سید ابوالقاسم خویی (۱۲۷۸-۱۳۷۱ ش/ ۱۳۱۷-۱۴۱۳ ق)، مرجع تقلید شیعه، فقیه، اصولی مبرز و رجالی صاحب نام معاصر و دارای آثاری برجسته در فقه، اصول، رجال و علوم قرآنی بود. از ایشان آثار متعددی در حوزه‌های گوناگون برجای مانده است از جمله: معجم رجال الحديث، البیان فی تفسیر القرآن، منهاج الصالحین، نفحات الاعجاز، مستند العروة الوثقی و... از جمله‌ی این آثار اند. (ویکی فقه)
- «شبر» به معنای وجب یعنی اندازه‌ی مابین سر ابهام (شصت) تا سر انگشت کوچک دست در حالی که هر دو کشیده شده باشد، است. (بصمه جی، ۲۰۰۹: ۳۲۸)
- «ذراع» فاصله بین آرنج دست تا سر انگشتان را گویند. (مروج، ۱۳۷۹: ۲۳۲؛ هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۲، ج ۳: ۷۰۵)
- «عظم ذراع» یا استخوان ذراع استخوانی است که از آرنج تا مچ وجود دارد و تقریباً به اندازه‌ی یک شبر (یک وجب) است.
- «حائل» به مانع بین دو چیز وزن غیر آبستن گفته می‌شود (هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۲، ج ۳: ۱۹۲)

تقدم زن بر مرد در نماز فرادا به نظر صاحب جواهر:

حکم تقدم زن بر مرد در نماز در کلام صاحب جواهر به گونه‌ی مستقل مورد کنکاش قرار نگرفته است بلکه برای بدست آوردن این حکم باید به چند نکته در کلام ایشان توجه داشت:

۱. برخی از علماء در مورد مردان تقدم زن را مطرح نکرده اند بلکه فقط محاذات را مطرح کرده اند ولی این کلام آن‌ها شامل تقدم هم می‌گردد بخاطر اینکه؛ اولاً: امکان دارد ادعای اجماع کنیم بر عدم فصل بین حکم تقدم و محاذات (صاحب جواهر، ۱۴۲۱، ج ۴: ۵۴۴) و ثانیاً: اگر محاذات زن در نماز مثلاً موجب بطلان نماز مرد گردد، تقدم وی به طریق اولی موجب بطلان می‌گردد. (صاحب جواهر، ۱۴۲۱، ج ۴: ۵۴۴) پس از حکم محاذات در روایات و فتاوا می‌توان حکم تقدم را بدست آورد.

۲. از منع در این مسأله، بطلان و فساد هم اراده شده است. (صاحب جواهر، ۱۴۲۱، ج ۴: ۵۴۴)

۳. حکم مسأله‌ی تقدم و محاذات زن در نماز نسبت به هر دو (مرد و زن نمازگزار) جاری است، نه اینکه تنها این حکم در مورد مرد جاری باشد و این را از تدبر در ادله و در عبارات علماء که تصریح به این حکم در مورد زن نکرده اند می‌توان بدست آورد. (صاحب جواهر، ۱۴۲۱، ج ۴: ۵۴۴) پس با اثبات حکم در مردان می‌توان آن را در مورد زنان اثبات کرد و در روایات که در بیشتر آن‌ها تصریح به مرد شده و در مورد زن حکمی بیان نشده است مراد مرد و زن هر دو است.

در مورد مسأله‌ی تقدم زن بر مرد در نماز در مجموع سه قول وجود دارد (صاحب جواهر، ۱۴۲۱، ج ۴: ۵۴۴ - ۵۴۶ - ۵۴۷):

۱. حرمت و فساد
۲. جواز و کراهت (عدم فساد)
۳. تفصیل

قول اول: حرمت و فساد

طبق این قول اگر زنی مقابل مرد نمازگزار، نماز بخواند این عمل وی حرام است (حکم تکلیفی) و نماز وی نیز باطل و فاسد است (حکم وضعی).

این قول به اکثر قدماء و مشهور علماء نسبت داده شده است (صاحب جواهر، ۱۴۲۱، ج ۴: ۵۴۵)

که از جمله می‌توان به شیخ مفید (مفید، ۱۴۱۰: ۱۵۲)، شیخ طوسی (طوسی، ۱۳۸۷، ج ۱: ۸۶؛ طوسی، ۱۴۰۰: ۱۰۰)، ابن حمزه (ابن حمزه، ۱۴۰۸: ۸۹)، ابن براج (ابن براج، ۱۴۰۶، ج ۱: ۹۸)، ابن زهره (ابن زهره، ۱۴۱۷، ج ۱: ۸۲) و حلبی (حلبی، ۱۴۱۴: ۹۲) اشاره کرد. که مهم‌ترین ادله این قول عبارت‌اند از ادله‌ی زیر:

- اجماع: مرحوم شیخ طوسی در خلاف (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۱: ۴۲۴) و ابن زهره در غنیه (ابن زهره، ۱۴۱۷، ج ۱: ۸۲) ادعای اجماع بر این حکم کرده‌اند که این اجماع حجت است بخاطر اینکه مشهور قدماء قایل به عدم جواز اند و این معتضد اجماع است. (صاحب جواهر، ۱۴۲۱، ج ۴: ۵۴۵)
- اما این دو اجماع بخاطر اینکه سید مرتضی و اکثر متأخرین بلکه عموم متأخرین قایل بر خلاف آن شده‌اند ضعیف‌اند و بلکه از شیخ که حاکی یکی از دو اجماع است حکایت شده که ایشان هم با کراهت موافقت کرده‌اند. (صاحب جواهر، ۱۴۲۱، ج ۴: ۵۴۹)

- روایات: برای این قول به روایاتی استدلال نموده‌اند که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از:

○ صحیحۃ ابن مسلم عن أحدهما (عليه السلام) قال: «سألته عن المرأة تزامن الرجل في المحمل يصليان جميعاً، قال: لا ولكن يصلي الرجل فإذا فرغ صلت المرأة» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۴: ۱۲۴)؛ «از امام جعفر باقر (ع) یا امام صادق (ع) پرسیدم در حال سفر که زن و مرد در یک کجاوه برابر هم سوارند، می‌توانند با هم نماز بخوانند؟ آن حضرت فرمود: نه. اول مرد، نماز بخواند و بعد از تمام شدن نماز او، زن نماز خود را شروع کند.» (بهبودی، ۱۳۷۰، ج ۲: ۳۳)

در این صحیحۃ از محاذات زن و مرد در حین نماز نهی شده است و نهی ظهور در حرمت دارد و از طرفی نهی از شیء مقتضی فساد آن است لذا این روایت دلالت دارد که محاذات زن و مرد حرام است و اگر کسی در این حالت نماز بخواند نمازش فاسد است، و از آن جا که حکم صورت محاذات و تقدم یکی است لذا در صورت تقدم زن بر مرد در حین نماز هم این حکم جاری می‌گردد.

○ خبر إدريس بن عبد الله القمّي: سألت أبا عبد الله عليه السلام عن الرجل يصلي و بحیاله امرأة قائمة على فراشها أجنبية؟ فقال: «إن كانت قاعدة فلا يضرك، وإن كانت تصلي فلا». (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۵: ۱۲۵)؛ صاحب جواهر، ۱۴۲۱، ج ۴: ۵۴۵)؛ «از امام صادق (ع) پرسیدم: اگر مردی نماز بخواند و در کنار او، خانمی بر روی نهالی خود نشسته باشد، چه صورت دارد؟ امام (ع) فرمود: اگر آن خانم نشسته باشد اشکالی ندارد، اما اگر در حال نماز باشد، نماز خواندن مرد، در کنار او روا نیست.» (بهبودی، ۱۳۷۰، ج ۲: ۳۳)

در این روایت نیز محاذات زن در نماز ممنوع شده است و به حکم همسانی حکم محاذات و تقدم، حکم به حرمت و فساد در مورد بحث می‌گردد.

ولی مشکل این روایت این است که نهایتش در صورت محاذات، ضرر را ثابت می‌کند و ضرر اعم از کراهت و فساد است؛ زیرا که همانگونه که ضرر با انعدام ثوابی که خداوند برای طبیعت نماز قرار داده (در صورت فساد) تحقق پیدا می‌کند، در صورت نقصان این ثواب (کراهت) هم محقق می‌گردد. و حتی ادعا شده است که ثوابی بر عبادت مکروه مترتب نمی‌شود پس شکی در حصول ضرر در صورت کراهت نیست. پس دلیل شما اعم از مدعای شما است.

○ موثّق عَمَّار عن الصادق عليه السلام: أَنَّهُ سئل عن الرجل يستقيم له أن يصليّ و بين يديه امرأة تصليّ؟ قال: «لا يصليّ حتى يجعل بينه و بينها أكثر من عشرة أذرع، و إن كانت عن يمينه و عن يساره جعل بينه و بينها مثل ذلك، فإن كانت تصليّ خلفه فلا بأس و إن كانت تصيب ثوبه، و إن كانت المرأة قاعدة أو نائمة أو قائمة في غير صلاة فلا بأس حيث كانت» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۵: ۱۲۸؛ صاحب جواهر، ۱۴۲۱، ج ۴: ۵۴۵) «در موثقه‌ی عمار از امام صادق (ع) آمده است که کسی از امام صادق (ع) در مورد مردی پرسید که می‌خواهد نماز بخواند در حالی که جلو وی زنی در حال نماز است که حکمش چیست؟ امام (ع) فرمود: نماز نخواند تا اینکه بین خود و بین زن فاصله‌ی بیشتر از ده ذراع قرار دهد و اگر زن در طرف راست یا چپ او باشد هم بین خود و زن این فاصله را قرار بدهد و اگر زن پشت سر مرد نماز بخواند اشکالی ندارد، اگر چه به لباس مرد برخورد کند. و اگر زن نشسته یا خوابیده یا ایستاده باشد اما نماز نخواند هر جوری که باشد اشکالی ندارد»

طبق این روایت هم تقدم زن بر مرد در نماز اشکال دارد چون در آن نهی کرده از نماز خواندن مرد عقیب زن نمازگزار تا اینکه فاصله‌ی بیشتر از ده ذراع بین آنها محقق گردد (و آنچه مورد بحث است در فاصله‌ی کمتر از ده ذراع است نه بیشتر از آن چون در فاصله‌ی بیشتر از ده ذراع اختلافی در جواز نیست)، و از منع در مورد مرد حکم زن هم فهمیده می‌شود که منع باشد.

اما با تدبیر در این روایت به این می‌رسیم که برگشت آن به نفی استقامت در صورت نبودن فاصله‌ی مذکوره است؛ زیرا که در آن سوال با «یستقیم» شده است لذا لفظ «لا» که در جواب بکار رفته برای نفی استقامت است و نفی استقامت اولاً که مشعر به کراهت است و ثانیاً اگر مشعر به کراهت نباشد شکی در تحقق نفی استقامت توسط کراهت نیست؛ زیرا که مکروه به خاطر نقصانش از آنچه که فعل مجرد از امثال این عوارض (تقدم زن یا محاذات آن) بر آن وضع شده است، استقامت و اعتدال و استواء ندارد. (صاحب جواهر، ۱۴۲۱، ج ۴: ۵۴۸)

○ النبوي: «أخْرَهْن حَيْثُ أَخْرَهْن اللهُ». (نوری، ۱۴۰۸، ج ۳: ۳۳۳؛ صاحب جواهر، ۱۴۲۱، ج ۴: ۵۴۵)؛

«زنان را به مؤخر کنید در جایی که خدا آن‌ها را مؤخر کرده است».

در این روایت امر شده به اینکه زنان را در جایی که خدا آن‌ها را مؤخر کرده است مؤخر کنید و از آن‌جا که در غیر نماز خداوند امر به تأخیر آن‌ها نکرده است پس لابد در نماز مراد است.

ولی در این بحث است که آیا این نماز همان جایی هست که مراد است یا خیر. (صاحب جواهر، ۱۴۲۱، ج ۴: ۵۴۹)

○ صحیح ابن ابی یعفور: قلت لأبي عبد الله عليه السلام: أصلي و المرأة إلى جنبي و هي تصلي؟ فقال:

«لا، إلا أن تتقدم هي أو أنت، و لا بأس أن تصلي و هي بحذاء جالسة أو قائمة» (حر عاملی، ۱۴۰۹،

ج ۵: ۱۲۴-۱۲۵؛ صاحب جواهر، ۱۴۲۱، ج ۴: ۵۴۵)؛ «ابن ابی یعفور می‌گوید به امام صادق (ع)

عرض کردم که من نماز می‌خوانم در حالی که در کنارم زنی نماز می‌خواند، حکم این چیست؟ امام

(ع) فرمود: نه، مگر اینکه او نمازش را اول بخواند یا تو، و اشکالی ندارد که تو نماز بخوانی در حالی که

زنی در کنارت نشسته باشد یا ایستاده».

در این روایت هم از خواندن نماز در کنار زن نهی شده است و در مورد مرد به خاطر همسانی حکم تقدم و محاذات حرمت

و فساد اثبات می‌گردد پس در مورد زن هم بخاطر دو طرفه بودن این حکم همین حکم جاری است. البته این در صورتی

است که مراد از جمله‌ی «إلا أن تتقدم هي أو أنت»، تقدم نماز یکی بر دیگری باشد بدین معنا که اول یکی نماز بخواند و

بعد از اتمام نماز وی دیگری به نماز بایستد که به حسب ظاهر همین مراد است.

اما در مورد این روایت باید گفت که در آن فقط نهی آمده است که ممکن است که از آن کراهت اراده شده باشد و از طرفی

احتمال دارد نهی نباشد بلکه «لا» برای نفی باشد و اینکه سوال از جواز بدون کراهت باشد. (صاحب جواهر، ۱۴۲۱، ج ۴:

۵۴۹)

قول دوم: جواز و کراهت (عدم فساد)

این‌ها می‌گویند تقدم زن بر مرد در نماز مکروه است ولی حرام نیست و موجب بطلان نماز وی نمی‌گردد.

و سید مرتضی و اکثر متأخرین و متأخری متأخرین بجز چند نفر این نظر را دارند که از جمله دلایل این‌ها عبارت‌اند از:

• شبهه این قول به اصول و اطلاق ادله

این قول شبهه و نزدیک به اصول عملیه نظیر اصل عدم حرمت و اصالت الجواز است که اگر ادله‌ی اجتهادی معتبر وجود نداشته باشد با اصل عدم حرمت تقدم نماز زن بر مرد، و اصالت جواز تقدم، جواز قابل اثبات است.

و از طرفی ادله‌ی که نماز را بر زنان واجب کرده است مطلق است و آن را مقید به عدم تقدم بر مردان نکرده اند؛ لذا تا زمانی که دلیل قطعی بر حرمت نماز در یک موقعیت وجود نداشته باشد، طبق اطلاق ادله حکم به جواز می‌گردد. (صاحب جواهر، ۱۴۲۱، ج ۴: ۵۴۶)

تعبیر به شبهه بودن در اینجا به خاطر وجود ادله‌ی اجتهادی است و الا با تمسک به اصول مشکل حل می‌شد.

• روایات: دسته‌ای از روایات نیز بر جواز دلالت دارند؛ از جمله:

○ فی خبر ابن فضال عن أخبره عن جميل عن الصادق عليه السلام: في الرجل يصلي والمرأة تصلي بحذاء، فقال: «لا بأس» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۵: ۱۲۵؛ صاحب جواهر، ۱۴۲۱، ج ۴: ۵۴۶)؛ «در مرسله‌ی ابن فضال از جميل بن دراج روایت شده که از امام صادق در مورد مردی پرسیده شد که نماز می‌خواند درحالی که زنی در کنارش نماز می‌خواند. حضرت (ع) فرمودند: اشکالی ندارد.»

طبق این روایت محاذی بودن زن با مرد در نماز اشکالی ندارد و چون حکم تحاذی و تقدم یکسان است و از طرفی اثبات این حکم در این جا برای مرد، این حکم را برای زن هم اثبات می‌کند چون حکم هم نسبت به مرد است و هم نسبت به زن، پس بر اساس این روایت در مورد زن هم در نماز تقدم اشکالی ندارد و جایز است. و ارسال این روایت ضرری ندارد زیرا که اکثر متأخرین به آن عمل کرده اند خصوصاً که در بین عمل کنندگان طبق آن، کسانی مثل سید مرتضی و ابن ادریس است که جز به قطعیات عمل نمی‌کنند. و عمل این‌ها جابر سند این روایت است. (صاحب جواهر، ۱۴۲۱، ج ۴: ۵۴۶)

○ صحيح الفضيل المروي عن العلل عن أبي جعفر عليه السلام: «إنما سميت مكة بكّة لأنّه يبكّ بها الرجال والنساء، والمرأة تصلي بين يديك وعن يمينك وعن يسارك ومعك، ولا بأس بذلك، وإنما يكره في سائر البلدان». (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۵: ۱۲۶؛ صاحب جواهر، ۱۴۲۱، ج ۴: ۵۴۶)؛ «امام باقر (ع) فرمودند: مکه را به خاطر آن بکه نامیده‌اند که مردان و زنان در آن می‌گریند و در آن جا اشکالی ندارد که زن جلو یا راست و یا چپ و یا در عرض شما (که مرد هستید) بایستد و نماز بخواند ولی در سائر شهرها این عمل مکروه است.» (ابن بابویه، ۱۳۸۰، ج ۲: ۲۸۷)

این روایت در صورتی که در زمان امام باقر (ع) حقیقت شرعی یا حقیقت متشرعه در لفظ کراهت ثابت شده باشد، نص در مطلوب است و صریحاً می‌گوید که تقدم زن بر مرد در نماز مکروه است؛ اما اگر در زمان امام (ع) حقیقت شرعی یا حقیقت متشرعه در لفظ کراهت ثابت نشده باشد، ظاهر در مطلوب است خصوصاً بعد از اینکه وقتی که توسط لفظی غیر از آن حرمت اراده می‌شود تعبیر از کراهت اصطلاحی به آن غالب و زیاد است.

علاوه بر آن امکان دارد که برای نص در مطلوب بودن این روایت استدلال کنیم به اینکه در این روایت گفته شده که در مکه، تقدم زن بر مرد در نماز اشکالی ندارد پس از طریق اضافه کردن عدم قول به فصل بین مکه و غیر مکه، به این نتیجه می‌رسیم که این نص بر مطلوب است و تقدم زن بر مرد در حین نماز در غیر مکه هم اشکالی ندارد فثبت الجواز.

○ خبر عیسی بن عبد الله القمّی: سأل الصادق علیه السلام عن امرأة صلّت مع الرجال و خلفها صفوف و قدّامها صفوف؟ قال: «مضت صلاتها و لم تفسد علی أحد و لا تعید». (فاضل هندی، ۱۴۱۶، ج ۳: ۲۸۰؛ صاحب جواهر، ۱۴۲۱، ج ۴: ۵۴۶)؛ «از امام صادق (ع) در مورد زنی سوال گردید که همراه با مردان نماز می‌خواند در حالی که پشت سرش و پیش‌رویش صف‌هایی است؟ امام (ع) فرمود: نمازش صحیح است و نماز هیچ کسی فاسد نشده است».

طبق این روایت هم امام صادق (ع) تقدم زن بر مردان در نماز را منع نکرده است و فرموده نماز وی و نماز بقیه صحیح است. فثبت الجواز.

• شدت اختلاف نصوص مقتضی رفع منع (زایل کننده حکم در مانحن فیه) در فاصله بین زن و مرد

روایاتی که می‌گویند در صورتی که در فلان فرض یا در صورت فلان فاصله بین زن و مرد، منع (حرمت و بطلان) برداشته می‌شود و جواز می‌آید و در فلان فاصله نماز با تقدم و محاذات جایز است اختلاف شدیدی با هم دارند، برخی این فاصله را یک شبر و برخی یک گام و برخی یک شبر یا ذراع و بعضی ده ذراع و عده‌ی یک رحل می‌دانند.

خلاصه اینکه روایاتی که فاصله‌ی مد نظر برای رفع منع را بیان کرده اند با هم اختلاف شدیدی دارند و این دال بر جواز تقدم و محاذات است یا بخاطر اینکه این اختلاف شدید فقط با کراهت که به اعتبار اختلاف مراتب شدت و ضعف دارای مراتب اختلاف است می‌سازد که هرچه فاصله کمتر باشد کراهت شدیدتر و هر چه فاصله بیشتر باشد کراهت کمتر می‌گردد تا اینکه کراهت هم برداشته شود.

و یا به این دلیل که همه‌ی این نصوص اشتراک دارند در این که حائل و فاصله‌ی ده ذراع برای رفع منع لازم نیست (بلکه عوامل و فاصله‌های دیگری مثل یک شبر و عظم ذراع و امثال آن هم برای رفع منع کافی است) پس وقتی عدم لزوم و عدم اعتبار حائل و ده ذراع برای رفع منع اثبات شد، جواز به طور مطلق اثبات می‌شود؛ چونکه قول به فصل (منع در کمتر از یک شبر یا عظم ذراع و جواز در صورت فاصله به اندازه‌ی یک شبر و بیشتر از آن) که از جعفری حکایت شده است تمام نیست؛ پس وقتی قول به فصل درست نباشد ناچاریم که نهی بر برخی از نصوص و بآس در مفهوم برخی دیگر از نصوص را حمل بر کراهت کنیم زیرا که حمل بر صورت ممکن اولی از این است که نظیر این روایات را طرح کنیم تا قول به منع درست گردد؛ چون حمل نصوص منع بر کراهت مجاز شایع است و حتی ادعا شده است که حمل منع بر کراهت مساوی با حقیقت است. و الا لازم می‌آید که ادله‌ی جواز را که بیشتر از ادله‌ی منع است و از طرفی سند و دلالتا واضح تر نسبت به ادله‌ی منع، طرح کنیم که کار درستی نیست. (صاحب جواهر، ۱۴۲۱، ج ۴: ۵۴۸)

قول سوم: تفصیل (حرمت در فاصله‌ی کمتر از شبر و جواز در فاصله‌ی یک شبر و بیشتر از آن)

قول سوم این است که در صورتی که زن در نماز مقدم بر مرد باشد اگر فاصله بین آن‌ها از شبر کمتر باشد این تقدم حرام و نماز باطل است، اما اگر فاصله بین آن‌ها یک شبر یا بیشتر از آن باشد تقدم جایز و مکروه است اما نماز صحیح است. مرحوم صاحب جواهر دلیلی برای این قول نیاورده، فقط در ضمن بیان دلیل برای قول خود این قول را مطرح و آن را رد کرده است به این صورت که:

کسی قائل به فصل نیست مگر جعفری طبق آن چه از وی حکایت شده است که در فاصله‌ی کمتر از استخوان ذراع (یک شبر) نماز خواندن زن ممنوع است و در فاصله‌ی یک استخوان ذراع و بیشتر از آن جایز است، ولی این قول شاذ است و مگر قلیلی از علماء آن را نقل نکرده اند، بلکه ظاهر جمعی از علماء اجماع بر خلاف این قول است چون آن‌ها عدم قول به فرق بین دو قول مشهور (منع و جواز) را ادعا کرده اند که این اذن ادعای اجماع بر فساد قول سوم (تفصیل و هر قول دیگری) است. (صاحب جواهر، ۱۴۲۱، ج ۴: ۵۴۷-۵۴۸)

خلاصه سخن این که مرحوم صاحب جواهر دلایل قول اول را رد کرد و قول سوم را شاذ دانست و قبول نکرد، بلکه ایشان قایل به قول دوم است؛ یعنی به نظر ایشان تقدم زن بر مرد در نماز فرادا جایز است اما مکروه. لذا نماز وی صحیح است.

دخالت و عدم دخالت برخی از امور در جریان حکم در مسأله:

یکی از مباحثی که در ضمن این مسأله و مرتبط با آن است این است که برای جریان حکم در مسأله آیا برخی از امور دخالت دارند یا نه؟ که از جمله اجنبی بودن و صحت نماز مرد است.

۱) دخالت یا عدم دخالت محرمیت و اجنبیت در مسأله:

در این مسأله محرم بودن یا اجنبی بودن دخالتی ندارد و فرقی نمی‌کند که زن مقدم بر مرد نامحرم نماز بخواند یا مقدم بر مرد محرم و شوهر؛ در هر صورت حکم واحد است که طبق نظر مختار صاحب جواهر جواز و کراهت می‌باشد؛ و دلیل این مسأله این است که:

- اولاً اکثر نصوص و فتاوی علماء مطلق است و قید اجنبی در آن نیامده است. (صاحب جواهر، ۱۴۲۱، ج ۴: ۵۴۳)

- ثانیاً اجماع از تحریر حکایت شده است. (صاحب جواهر، ۱۴۲۱، ج ۴: ۵۴۳)

۲) دخالت یا عدم دخالت صحت نماز مرد برای جریان حکم در نظر مختار:

از آن جا که نظر مختار صاحب جواهر این است که تقدم زن بر مرد در نماز فرادا مکروه است در اینجا سوالی مطرح است که آیا برای جریان این حکم لازم است که نماز مرد هم مانند نماز وی صحیح باشد یا خیر؟

مرحوم صاحب جواهر برای جریان این حکم در مانحن فیه، صحت نماز مرد را شرط می‌داند لذا اگر نماز وی صحیح نباشد بلکه فاسد باشد کراهت نیست. دلیل ایشان این است که:

اگر قایل به وضع الفاظ عبادات برای عبادت صحیح باشیم که واضح است چون آن نمازی در این فرض باعث جریان حکم می‌گردد که صحیح باشد و الا اگر نماز صحیح نباشد بر آن اصلاً نماز اطلاق نمی‌گردد که باعث کراهت نماز زن مقدم بر وی گردد.

اما اگر قایل به وضع الفاظ عبادات برای اعم از صحیح و فاسد گردیم به این دلیل این جا صحت نماز مرد شرط است که آنچه در امثال این مقامات از نماز متبادر به ذهن است نماز صحیح است. (صاحب جواهر، ۱۴۲۱، ج ۴: ۵۵۱) پس اینکه سوال می‌گردد که نماز زن در صورت تقدم بر مرد نمازگزار حکمش چیست مرادش این است که حکم نماز زن در صورتی که نماز مرد صحیح باشد و زن مقدم بر وی نماز بخواند چیست؟

و الا اگر نماز مرد فاسد باشد بخاطر عاملی مثل عدم طهارت و امثال آن این نماز وی با بقیه‌ی کارهای وی مثل نشستن وی فرقی ندارد.

عوامل زائل کننده‌ی حکم (کراهت طبق مختار و حرمت طبق نظر مخالف)

عواملی که باعث می‌شود کراهت بنابر نظر مختار و حرمت بنا بر نظر دیگری برداشته شود عبارتند از:

(۱) حائل:

بدون خلاف اگر بین زن متقدم در مکان نماز و مرد نمازگزار اگر حائلی باشد حکم (کراهت بنابر نظر مختار صاحب جواهر و حرمت طبق قول اول) برداشته می‌شود. که ادله‌ی آن عبارت‌اند از:

- اجماعی که از معتبر و منتهی حکایت شده است. (صاحب جواهر، ۱۴۲۱، ج ۴: ۵۵۶)
- روایات:

مستفاد از روایات نیز این است که حائل مانع حکم است؛ که مهمترین آن‌ها عبارت‌اند از:

○ صحیح ابن مسلم عن أبي جعفر عليه السلام في المرأة تصلّي عند الرجل، قال: «إذا كان بينهما حاجز فلا بأس». (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۵: ۱۲۹-۱۳۰؛ صاحب جواهر، ۱۴۲۱، ج ۴: ۵۵۶)؛ صحیح ابن مسلم از امام باقر (ع) در مورد زنی که در کنار مرد نماز می‌خواند، که امام فرمود: «اگر بین زن و مرد حائلی باشد اشکالی ندارد».

و چون حکم محاذات و تقدم یکی است پس در تقدم هم حائل رافع است و حرمت و کراهتی نیست.

- المروى عن قرب الإسناد عن عبد الله بن الحسين عن علي بن جعفر أنه سأل أخاه عليه السلام: عن الرجل هل يصلح له أن يصلّي في مسجد قصير الحائط و امرأته قائمة تصلّي و هو يراها و تراه؟ قال: «إن كان بينهما حائط طويل أو قصير فلا بأس». (حمیری، ۱۴۱۳: ۲۰۷؛ حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۵: ۱۳۰؛ صاحب جواهر، ۱۴۲۱، ج ۴: ۵۵۶)؛ از قرب الإسناد از عبدالله بن حسین از علی بن جعفر روایت شده که وی از برادرش (امام کاظم علیه السلام) پرسید: که آیا برای مرد صلاح است که در مسجدی نماز بخواند که دیوارش کوتاه است و زنش (مقابلش) به نماز ایستاده در حالی که زن می‌تواند مرد را ببیند و مرد می‌تواند زن را ببیند؟ فرمود: «اگر بین آن‌ها دیواری باشد اشکالی ندارد چه دیوار کوتاه باشد یا بلند».

طبق این روایت هم در صورت حائل شدن دیوار بین زن و مرد منع و کراهت برداشته می‌شود.

- صحیح‌ه‌ی حلبی: سألته یعنی أبا عبدالله عن الرجل يصلي في زاوية الحجرة و امرأته أو ابنته تصلي بحذاء في الزاوية الأخرى، قال: «لا ينبغي ذلك إلا أن يكون بينهما ستر، فإن كان بينهما ستر أجزأه». (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۵: ۱۳۰)؛ «از امام صادق (ع) در مورد مردی پرسیدم که در زاویه‌ی حجره نماز می‌خواند در حالی که زنش یا دخترش در کنارش در زاویه‌ی دیگر نماز می‌خواند، فرمود: شایسته نیست این مگر اینکه بین آن‌ها ستر باشد، پس اگر بین آن‌ها ستری باشد کفایت می‌کند».

طبق این روایت کراهت با ستر که حائل است در صورت محاذات برداشته می‌شود پس در صورت تقدم هم چنین است.

در حائل شرط نیست که مانع از دیدن باشد چون ظاهر روایت اولی و صراحت روایت دومی چنین است. (صاحب جواهر، ۱۴۲۱، ج ۴: ۵۵۷)؛ اما تاریکی و کوری و پوشاندن چشم عرفا ستر و حاجز نیست لذا رافع حکم (کراهت یا حرمت) نیست. (صاحب جواهر، ۱۴۲۱، ج ۴: ۵۵۵)

۲) فاصله‌ی ده ذراع

یکی از چیزهای که حکم در مسأله (کراهت بنا بر مختار و حرمت بنا بر نظر مخالف) را برمی‌دارد این است که اگر زن مقدم بر مرد نماز می‌خواند، فاصله بین آن‌ها ده ذراع باشد که در حالت ایستاده از انگشت ابهام مرد تا عقیب پای زن و در حالت سجده از آخر سر مرد تا عقیب پای زن ده ذراع باشد. مهم‌ترین دلایل آن عبارت‌اند از:

- اجماعی که از معتبر حکایت شده است. (صاحب جواهر، ۱۴۲۱، ج ۴: ۵۵۸)
- روایت علی بن جعفر:

از قرب الاسناد از علی بن جعفر روایت شده که: سأل أخاه عليه السلام: عن الرجل يصلي الضحى و أمامه امرأة تصلي بينهما عشرة أذرع؟ قال: «لا بأس ليمض في صلاته». (حمیری، ۱۴۱۳: ۲۰۴؛ حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۵: ۱۲۹؛ صاحب جواهر، ۱۴۲۱، ج ۴: ۵۵۸)؛ «علی بن جعفر از برادرش امام کاظم (ع) در مورد مردی پرسید که نماز ظهر را می‌خواند در حالی که در مقابلش زنی نماز می‌خواند و بین آن‌ها ده ذراع فاصله است؟ امام (ع) فرمود: اشکالی ندارد که نمازش را انجام دهد.

از آنجا که طبق این روایت، برای مرد با این فاصله نماز اشکال ندارد برای زن هم چنین است.

۳) بلندی و پائینی مکان نماز

اگر زن در حال نماز جلو تر از مرد بایستد ولی مکان یکی از زن و مرد پایین و مکان دیگری بالا باشد در این صورت هم حکم (کراهت بنا بر نظر مختار و حرمت بنا بر نظر مخالف) جاری نیست. زیرا که ادله نسبت به فوقیت و تحتیت مطلق است؛ البته به شرط اینکه فوقیت و تحتیت به صورتی نباشد که وصف تقدم صدق کند و الا اگر عرفا وصف تقدم زن بر مرد صدق کند در این صورت هم حکم جاری است. (صاحب جواهر، ۱۴۲۱، ج ۴: ۵۶۰)

۴) اضطرار و ضیق وقت

اگر در جایی دوری ده ذراع امکان نداشت و حائلی هم بین زن و مرد نبود و وقت هم ضیق بود نیز حکم برداشته می شود. (صاحب جواهر، ۱۴۲۱، ج ۴: ۵۶۳)

حکم مسأله در صورت اضطرار

اگر موردی پیش بیاید که فاصله ی ده ذراع و تأخر امکان نداشته باشد، در این صورت حکم چیست؟

در این صورت یک وقت، زمان موسّع است یا مضیق:

اگر وقت موسّع باشد مستحب است نماز را به ترتیب بخوانند که اول یکی نماز بخواند و بعد دیگری. و تقدم نماز مرد مستحب است. (صاحب جواهر، ۱۴۲۱، ج ۴: ۵۶۲)

اما اگر وقت مضیق باشد در این صورت هر دو باید با هم نماز خوانند و استحبابی در تقدم نماز یکی نیست. (صاحب جواهر، ۱۴۲۱، ج ۴: ۵۶۳)

تقدم زن بر مرد در نماز فرادا به نظر مرحوم خوئی (ره)

مرحوم آیت الله خوئی (ره) در بیان شرایط مکان نماز گزار این بحث را مطرح کرده است. و وقتی که یکی از شرایط نماز به نظر صاحب عروه را توضیح و شرح می دهند که بحث تقدم و محاذات زن و مرد را به طور مطلق آورده است و حکم آن را تنها متوجه مرد نکرده است بلکه متوجه نماز گزار است که شامل مرد و زن می گردد، اعتراضی بر حکم نکرده اند و گذشته از آن صریحا بیان کرده اند که حکم در مورد هم مرد و هم زن است.

برای بدست آوردن حکم و دلایل آن باید به چند نکته همانگونه که قبلا هم یادآوری شد توجه گردد:

۱. حکم مسأله‌ی محاذات و تقدم زن بر مرد در نماز با هم یکسان است.
 ۲. مراد از منع، حرمت و بطلان است.
 ۳. حکم این مسأله در مورد زن و مرد جاری است اگر چه در اکثر ادله و برخی از فتاوی علماء فقط این بحث را نسبت به مرد مطرح کرده اند، اما عین حکم در مورد زن هم جاری است.
- در مورد این مسأله آقای خویی (ره) هم سه نظریه‌ی (حرمت - کراهت و تفصیل) را ذکر کرده اند و منشأ اختلاف علماء و قایل شدن به این سه قول را اختلاف اخبار می‌دانند زیرا که اخبار وارده در این باب سه دسته اند:

دسته‌ی اول - روایاتی که به طور مطلق تقدم زن بر مرد را ممنوع می‌دانند:

در بین این روایات روایات صحیحه و موثقه وجود دارد: مثل:

- صحیحه إدريس بن عبد الله القمي قال: «سألت أبا عبد الله (عليه السلام) عن الرجل يصلي و بحیاله امرأة قائمة علی فراشها جنباً، فقال: إن كانت قاعدة فلا يضرك و إن كانت تصلي فلا». (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۵: ۱۲۱؛ خویی، ۱۴۱۸، ج ۱۳: ۱۰۶)

که در روایت محاذات زن در نماز ممنوع شده است، و به حکم همسانی حکم محاذات و تقدم حکم در مورد مرد اثبات می‌گردد و به حکم همسانی حکم مرد و زن در مسأله، این حکم در مورد تقدم زن هم جاری می‌گردد.

- صحیحه زرارة عن أبي جعفر (عليه السلام) قال: «سألت عن المرأة تصلي عند الرجل، فقال: لا تصلي المرأة بحیال الرجل إلا أن يكون قدامها و لو بصدرة». (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۵: ۱۲۷؛ خویی، ۱۴۱۸، ج ۱۳: ۱۰۶)؛ «از امام باقر (ع) پرسیدم: زن‌ها می‌توانند برابر با مردان نماز بخوانند؟ امام (ع) فرمود: زن نمی‌تواند برابر با مرد نماز بخواند مگر آن‌که مرد به اندازه‌ی یک سینه بر زن مقدم باشد.»

در این روایت که امام کلام خود را خبریه‌ی در مقام انشاء آورده است از نماز خواندن زن در کنار مرد نهی کرده است و فرموده که مرد باید مقدم بر زن در نماز باشد. از صدر این روایت هم حکم منع و فساد در مسأله استفاده می‌گردد و از ذیل آن هم، از صدر آن به این صورت که طبق آن محاذات ممنوع است و بخاطر همسانی حکم محاذات و تقدم، پس تقدم زن هم در نماز ممنوع است و مفسد نماز. و از ذیل آن به این دلیل که مفهوم ذیل این است که نماز زن فقط در صورت تأخر نسبت به مرد صحیح است و در صورت تقدم و محاذات صحیح نیست. که در مفهوم ذیل این روایت ما نیاز به آوردن آن واسطه (همسانی حکم محاذات و تقدم) نداریم.

- موثقة عمار عن أبي عبد الله (عليه السلام) في حديث «أنه سئل عن الرجل يستقيم له أن يصلي و بين يديه امرأة تصلي، قال: إن كانت تصلي خلفه فلا بأس، و إن كانت تصيب ثوبه». (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۵: ۱۲۷؛

خویی، ۱۴۱۸، ج ۱۳: ۱۰۶)؛ «در موثقه‌ی عمار از امام صادق (ع) آمده است که کسی از امام صادق (ع) در مورد مردی پرسید که می‌خواهد نماز بخواند در حالی که جلو وی زنی در حال نماز است که حکمش چیست؟ امام (ع) فرمود: اگر زن پشت سر مرد نماز بخواند اشکالی ندارد، اگر چه به لباس مرد برخورد کند.»

طبق این موثقه فقط در صورتی که زن پشت سر مرد نماز بخواند اشکالی در نماز وی نیست مفهوم آن این است که اگر محاذی با مرد یا مقدم بر آن باشد اشکال دارد.

• صحیحۃ ابن مسلم عن أحدهما (عليه السلام) قال: «سألته عن المرأة تزامن الرجل في المحمل يصليان جميعاً، قال: لا ولكن يصلي الرجل فإذا فرغ صلت المرأة». (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۵: ۱۲۴؛ خویی، ۱۴۱۸، ج ۱۳: ۱۰۶)

این صحیح‌ه هم از محاذات زن و مرد در حین نماز نهی شده است و چون حکم محاذات و تقدم واحد است لذا تقدم هم منهی عنه است و نهی از شیء مقتضی فساد است فثبت الحرمة و الفساد.

دسته‌ی دوم - روایاتی که به طور مطلق تقدم زن بر مرد در نماز را جایز می‌دانند:

که از جمله‌ی این روایات عبارت‌اند از:

• ما رواه الشيخ بإسناده عن الحسن بن علي بن فضال عن عمّن أخبره عن جميل بن دراج عن أبي عبد الله (عليه السلام) «في الرجل يصلي و المرأة تصلي بحذاء، قال: لا بأس». (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۵: ۱۲۵؛ خویی، ۱۴۱۸، ج ۱۳: ۱۰۶)

اما این روایت مرسله است و جابری هم ندارد چون مسأله اختلافی است و مشهور بین قدماء این بوده که تقدم ممنوع است و از طرفی جبران سند با عمل اصحاب درست نیست. (خویی، ۱۴۱۸، ج ۱۳: ۱۰۶)

• صحیحۃ الفضیل عن أبي جعفر (عليه السلام) «قال: إنما سميت بكة، لأنه تباك فيها الرجال و النساء، و المرأة تصلي بين يديك و عن يمينك و عن يسارك و معك و لا بأس بذلك، و إنما يكره في سائر البلدان». (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۵: ۱۲۶؛ خویی، ۱۴۱۸، ج ۱۳: ۱۰۹)

که بنابر عدم فصل در جواز و منع بین مکّه و بقیه‌ی سرزمین‌ها دلالت بر جواز تقدم زن بر مرد می‌کند. و لذا توسط آن روایات دسته‌ی اول که تفصیل می‌داد در مورد حکم نماز مرد، بین صورتی که زن در حال نماز باشد یا نباشد را حمل بر کراهت می‌کنیم لذا منافات بین روایات طایفه‌ی اولی و دومی برداشته می‌شود. پس طبق این دلایل قول دوم (جواز با کراهت) ثابت می‌شود.

دسته‌ی سوم - روایاتی که متضمن تفصیل است:

اینجا هم دو دسته روایت است: موثق‌ی عمار گفته اگر فاصله بین زن و مرد ده ذراع باشد جایز است و الا خیر.

- موثق‌ی عمار: «عن أبي عبد الله (عليه السلام) أنه سئل عن الرجل يستقيم له أن يصلي وبين يديه امرأة تصلي؟ قال: لا يصلي حتى يجعل بينه وبينها أكثر من عشرة أذرع، وإن كانت عن يمينه وعن يساره جعل بينه وبينها مثل ذلك، فإن كانت تصلي خلفه فلا بأس...» إلخ. (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۵: ۱۲۸؛ خویی، ۱۴۱۸، ج ۱۳: ۱۰۹)

که اگر ما باشیم و این موثق، طبق آن حکم می‌کردیم؛ ولی دسته‌ی دیگر از روایات هم است که گفته اند اگر فاصله یک شبر باشد اشکالی ندارد و نماز صحیح است و الا اگر فاصله بین زن و مرد کمتر از یک شبر باشد تقدم حرام است و نماز باطل. که از جمله‌ی این روایات، روایات زیر است:

- صحیحة معاوية بن وهب عن أبي عبد الله (عليه السلام) «أنه سأله عن الرجل والمرأة يصليان في بيت واحد، قال: إذا كان بينهما قدر شبر صلت بحذاء وحدها و هو وحده و لا بأس». (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۵: ۱۲۵؛ خویی، ۱۴۱۸، ج ۱۳: ۱۱۰)

که طبق این روایت در صورتی که فاصله یک شبر باشد تقدم و محاذات اشکالی ندارد اما کمتر از آن اشکال دارد.

- صحیحة زرارۃ عن أبي جعفر (عليه السلام) «قال: إذا كان بينهما وبينه ما لا يتخطى أو قدر عظم الذراع فصاعداً فلا بأس». (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۵: ۱۲۵؛ خویی، ۱۴۱۸، ج ۱۳: ۱۱۰)

بر اساس این روایت اگر فاصله یک گام یا به اندازه‌ی استخوان ذراع - که نزدیک یک شبر است (خویی، ۱۴۱۸، ج ۱۳: ۱۱۰) - اشکالی ندارد.

و مقتضای جمع عرفی بین این دسته از روایات و موثق‌ی عمار و بقیه‌ی روایات این است که در صورتی که فاصله بین یک شبر تا ده ذراع باشد حکم است و اگر فاصله کمتر از یک شبر باشد حکم حرمت و فساد نماز.

خلاصه اینکه به نظر مرحوم خویی (ره) وقتی ما به اخبار و دلایل نظر کنیم می‌بینیم اخبار متفاوت است و مقتضای جمع عرفی بین روایات این است که قایل به تفصیل شویم اگر چه قول به تفصیل شاذ است ولی نتیجه‌ی جمع عرفی همین قول است.

دخالت و عدم دخالت برخی از امور در جریان حکم در مسأله

باید بررسی کرد که آیا مسائلی مانند اجنبی بودن مرد و صحت نماز وی در حکم دخالتی دارد یا خیر.

۱) دخالت یا عدم دخالت محرمیت و اجنبیت در مسأله:

در این مسأله فرقی بین اینکه زن و مرد با هم محرم باشند یا اجنبی باشند؛ یا خانم و شوهر باشند نیست؛ زیرا که نصوص نسبت به این مورد مطلق است و بلکه حتی در بعضی از نصوص نص و تصریح هم است که مشتمل بر تعبیر زوجه و بنت هم آمده است لذا اینگونه نیست که فقط در مورد مرد و زن نامحرم جاری باشد بلکه حتی اگر برادر یا شوهر زن هم باشد باز حکم جاری است. (خویی، ۱۴۱۸، ج ۱۳: ۱۲۰)

۲) دخالت یا عدم دخالت صحت نماز زن و مرد (لولا المحاذاة والتقدم) برای جریان حکم در نظر مختار:

نظر مختار آقای خویی (ره) در این مسأله تفصیل بین فاصله‌ی کمتر از یک شبر و بین فاصله‌ی شبر و بیشتر از آن شد، که در فاصله‌ی کمتر از یک شبر نماز حرام و فاسد است اما در فاصله‌ی یک شبر و بیشتر از آن تا ده ذراع، جایز و مکروه است.

ولی یکی از سوالاتی که مطرح است این است که آیا در جریان این حکم شرط است که لولا التقدم، نماز مرد بخاطر فقد کدام شرط دیگر یا کدام عامل دیگر فاسد نباشد بلکه صحیح باشد؟ به گونه‌ی که اگر نماز مرد مثلاً بخاطر فقد شرطی مثل غصبی بودن مکان فاسد باشد، اگر فاصله بین زن نمازگزار متقدم و مرد متأخر کمتر از یک شبر باشد، نماز زن نه حرام باشد و نه باطل؟ و اگر فاصله از یک شبر تا ده ذراع باشد، نمازش مکروه نباشد؟

اقوا این است که چنین چیزی شرط نیست بلکه چه نماز مرد صحیح باشد یا فاسد حکم جاری می‌گردد اما مشروط به اینکه به این نماز فاسد، نماز صدق کند.

اما اگر به این نماز فاسد بخاطر فقد یکی از ارکان مقوم نماز مثل طهارت یا رکوع یا سجود، نماز صدق نکند در این صورت این نماز اثری ندارد و در صورتی که خانمی پیشروی این مرد نمازگزار نماز بخواند در صورت فاصله‌ی کمتر از یک شبر، حرمت و فساد نیست و در فاصله‌ی یک شبر و بیشتر از آن کراهت.

و دلیل این حکم که فرقی بین نماز صحیح و فاسد در این جا نیست این است که الفاظ عبادات برای جامع بین صحیح و فاسد وضع شده است لذا وقتی در حکم آمده نماز، شامل نماز فاسدی که بر آن اسم نماز صدق کند هم می‌گردد. (خویی، ۱۴۱۸، ج ۱۳: ۱۱۴)

نکته: سر این که قید «لولا التقدم» را در اینجا آوردیم این بود که طبق قول مختار فاصله‌ی کمتر از یک شبر در صورت تقدم زن بر مرد مبطل نماز است و برای اینکه روشن گردد که آنچه مورد بحث است شرطیت آن صحت و عدم صحت لولا التقدم است و الا با تقدم که مسلماً نماز باطل می‌گردد در فاصله‌ی کمتر از یک شبر و طرف دیگری بنام صحت نیست که بگوییم شرط است یا نه، و از طرفی شیء شرط خودش بوده نمی‌تواند.

عوامل رافع حکم

تا به حال اثبات شد که نظر آقای خویی (ره) در مورد مسأله تفصیل است و در فرضی قایل به حرمت و در فرض دیگر قایل به کراهت هستند. حالا بحث در این است که با چه چیزی این حرمت و کراهت برداشته می‌شود؟

چند تا چیز را به عنوان رافع حکم ذکر کرده است:

۱) حائل:

اگر بین زن و مرد حائلی واقع شده باشد اگر چه فاصله‌ی آن‌ها کمتر از یک شبر باشد حکم برداشته می‌شود و نه حرمت می‌آید و نه کراهت؛ چه این حائل کوتاه باشد یا بلند. و از جمله دلایل رفع حکم توسط حائل عبارت اند از:

- صحیحۃ محمد بن مسلم عن أبي جعفر (عليه السلام) «في المرأة تصلي عند الرجل، قال إذا كان بينهما حاجز فلا بأس». (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۵: ۱۲۹؛ خویی، ۱۴۱۸، ج ۱۳: ۱۱۲)
- صحیحۃ ابن جعفر عن أخيه موسى (عليه السلام) في حديث قال: «سألته عن الرجل يصلي في مسجد حيطانه كوى كله قبلته و جانبه و امرأته تصلي حiale يراها و لا تراه قال: لا بأس». (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۵: ۱۲۹؛ خویی، ۱۴۱۸، ج ۱۳: ۱۱۲)

در این روایت امام (ع) نماز خواندن مرد در صورتی که بین نماز گزار زن و او، دیوار مسجد حائل شده باشد را بلا اشکال دانسته است پس این حکم در مورد زن هم به خاطر عدم قول به فصل بین حکم زن و مرد جاری است.

۲) فاصله‌ی ده ذراع:

یکی از اموری که رافع حکم در مانحن فیه است این است که بین زن و مرد فاصله‌ی ده ذراع و بیشتر از آن باشد؛ البته اکتفاء به ده ذراع در صورتی درست است که اجماع تعبدی بر آن قایم شده باشد و الا اگر اجماع تعبدی نباشد اکتفاء به ده ذراع مشکل است (خویی، ۱۴۱۸، ج ۱۳: ۱۱۳). ولی در فاصله‌ی بیشتر از ده ذراع اختلافی نیست که حکم برداشته می‌شود.

۳) بلندی و پائینی مکان نماز

یکی از اموری که باعث می‌شود که حکم در مانحن فیه جاری نگردد این است که مکان مرد و زن از حیث بلندی و پائینی متفاوت باشد به گونه‌ای که با آن عرفاً تقدم صدق نکنند اگر چه فاصله‌ی علو و انخفاض به ده ذراع نرسد. آره، اگر ارتفاع خیلی

کم باشد به گونه‌ی که عرفاً با وجود آن هم تقدم صدق کند در این صورت حکم شامل آن می‌گردد لذا اگر فاصله به اندازه‌ی کمتر از یک شبر باشد بنابر نظر مختار باطل است و الا مکروه است. (خویی، ۱۴۱۸، ج ۱۳: ۱۱۴)

۴) اضطرار و ضیق وقت

اگر تباعد ده ذراع امکان نداشته باشد و حائلی هم نباشد در این صورت هم حکم برداشته می‌شود البته در برداشته شدن حکم حرمت (در فاصله‌ی کمتر از یک شبر) شرط است که با ترتب حتی، یک رکعت از نماز خود را فردی که نمازش را به تأخیر انداشته در وقتش خوانده نتواند. (خویی، ۱۴۱۸، ج ۱۳: ۱۲۲-۱۲۳)

حکم مسأله در صورت اضطرار

آنچه تا بحال بیان شد حکم در صورت اختیار بود اما در صورت اضطرار و در موردی که جا تنگ است و تباعد به اندازه‌ی که گفته شد امکان ندارد و حائلی هم نباشد در این صورت چند فرض است:

اگر وقت نماز ضیق است در این صورت نه منع است و نه کراهت.

اما کراهت برداشته می‌شود زیرا که خطاب تنزیهی برگشتش به این است که اشاره می‌کند به اینکه منقصه و کمی در فرد منهی عنه وجود دارد که در عبادات موجب کم شدن ثواب می‌گردد، و ارشاد می‌کند که انسان باید فرد دیگری را که اکمل و افضل است اختیار کند که این فرد یا واجد مزایایی است یا حد اقل عاری از این نقیصه است. و روشن است که ارشاد مذکور متفرع بر این است که مکلف قدرت داشته باشد که هر فردی را که بخواهد اختیار کند، اما اگر طبیعت در فرد اول مثلاً منحصر شود مثل اینکه در حمام محبوس باشد به گونه‌ی که امر دایر باشد بین ترک نماز به کلی و بین اتیان نماز در حمام که مکروه است، پس در این صورت موقع التزام به مرجوحیت آن فرد و اتصاف آن به کراهت نیست.

اما مانعیت و به تعبیری حرمت برداشته می‌شود زیرا که فرض این است که طبیعت در فردی منحصر شده که مقترن به مانع است به گونه‌ای که امر بین ترک آن به کلی و بین اتیان آن طبیعت مقرون به آن مانع دایر است و چون نماز در هیچ حالی ساقط نمی‌شود، پس چاره‌ی جز انجام آن فرد مقرون به آن مانع نیست، لذا از آن مانع به مقتضای دلیل ثانوی (اضطرار) رفع ید می‌شود و مانع و حرمت برداشته می‌شود.

البته باید توجه داشت که برای برداشته شدن حرمت در این صورت لازم است که ضیق وقت به صورتی باشد که اگر زن صبر کند یا مرد صبر کند که بعد از نماز دیگری نماز بخواند حتی در یک رکعت از نماز وقت را درک نتواند اما اگر بتواند به اندازه‌ی یک رکعت وقت را درک کند در صورتی که فاصله کمتر از یک شبر باشد باید صبر کند و ترتب در این صورت واجب است.

(خویی، ۱۴۱۸، ج ۱۳: ۱۲۲-۱۲۳)

اما اگر وقت واسع باشد در این صورت یکی از آن‌ها نمازش را به تأخیر بیندازد تا دیگری نماز بخواند و بعد از اتمام نماز وی، دومی شروع به نماز کند. که این تأخیر یا وجوبی است یا استحبابی به خاطر دوری از مانعیت یا کراهت بر حسب دو مبنایی که در مسأله است (در فاصله‌ی کمتر از یک شبر واجب است که یکی از آن‌ها نمازش را به تأخیر بیندازد و در فاصله‌ی یک شبر و بیشتر از آن تا بیشتر از ده ذراع تأخر مستحب است). (خویی، ۱۴۱۸، ج ۱۳: ۱۲۳)

اولی و بهتر این است که زن نمازش را به تأخیر بیندازد و بعد از اتمام نماز مرد، او نماز بخواند. به دلیل:

- صحیح‌ه‌ی محمد بن مسلم از امام باقر یا امام صادق (علیهما السلام): «سألته عن المرأة تزامن الرجل في المحمل يصليان جميعاً؟ قال: لا، و لكن يصلي الرجل فإذا فرغ صلت المرأة». (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۵: ۱۲۴؛ خویی، ۱۴۱۸، ج ۱۳: ۱۲۳)

که این روایت توسط روایتی که ابی بصیر از امام صادق (ع) روایت کرده تأیید می‌گردد.

- رواية أبي بصير عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: «سألته عن الرجل و المرأة يصليان معاً في المحمل، قال: لا، و لكن يصلي الرجل و تصلي المرأة بعده». (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۵: ۱۳۲؛ خویی، ۱۴۱۸، ج ۱۳: ۱۲۳)

افتراقات و اشتراکات قول مرحوم صاحب جواهر و مرحوم خویی

افتراقات آرای دو فقیه:

۱. مرحوم صاحب جواهر قایل به جواز و کراهت در مسأله است (صاحب جواهر، ۱۴۲۱، ج ۴: ۵۴۶) اما مرحوم خویی قایل به تفصیل [در فاصله‌ی کمتر از یک شبر قایل به حرمت و فساد و در فاصله‌ی بین یک شبر تا ده ذراع قایل به کراهت] (خویی، ۱۴۱۸، ج ۱۳: ۱۱۱-۱۱۲).
۲. مرحوم صاحب جواهر قول به تفصیل را به خاطر شاذ بودن، رد می‌کند (صاحب جواهر، ۱۴۲۱، ج ۴: ۵۴۷)؛ اما مرحوم خویی با وجود اینکه قایل به شاذ بودن این قول است اما می‌فرماید مقتضی جمع عرفی بین روایات وارده در این مسأله، قول سوم است لذا قایل به آن می‌شود (خویی، ۱۴۱۸، ج ۱۳: ۱۱۰).
۳. مرحوم صاحب جواهر می‌فرماید صحت نماز مرد با قطع نظر از مسأله‌ی تقدم برای جریان حکم شرط است لذا اگر با قطع نظر از مسأله‌ی تقدم نماز مرد فاسد باشد این حکم در مورد زنی که نماز را متقدم بر مرد خوانده جاری نمی‌گردد و نماز وی مکروه هم نیست (صاحب جواهر، ۱۴۲۱، ج ۴: ۵۵۱). اما مرحوم خویی چون قایل به وضع الفاظ عبادات برای جامع بین صحیح و فاسد است لذا صحت نماز مرد را برای جریان حکم در مورد زن شرط نمی‌داند و می‌فرماید که چه نماز مرد صحیح باشد یا فاسد، این حکم (طبق همان تفصیلی که نظر ایشان است) جاری است البته به شرط

- اینکه عرفا بر این نماز فاسد، نماز صدق کند اما اگر بخاطر فقد ارکان، عرفا نماز بر نماز فاسد مرد (مثلا بخاطر فقد رکوع) صدق نکرد در این صورت حکم جاری نیست (خویی، ۱۴۱۸، ج ۱۳: ۱۱۵).
۴. مرحوم صاحب جواهر، فاصله‌ی ده ذراع را مانع و زایل کننده‌ی حکم می‌دانند (صاحب جواهر، ۱۴۲۱، ج ۴: ۵۵۸) اما مرحوم خویی می‌فرماید که اگر اجماع تعبّدی در این مورد وجود نداشته باشد اثبات مانع بودن خود ده ذراع برای حکم مشکل است (خویی، ۱۴۱۸، ج ۱۳: ۱۱۳).
۵. در مورد اضطرار (که تباعد به ده ذراع امکان نداشته باشد و مثلاً حائلی هم نباشد) مرحوم صاحب جواهر در صورت وسعت وقت قایل به استحباب ترتب در نماز (که اول یکی بعد دیگری نماز بخواند) است (صاحب جواهر، ۱۴۲۱، ج ۴: ۵۶۲). اما مرحوم خویی می‌فرماید که اگر فاصله کمتر از یک شبر است در این صورت ترتب (که اول یکی و بعد دیگری نماز بخواند) واجب است؛ ولی اگر فاصله یک شبر یا بیشتر است ترتب مستحب است (خویی، ۱۴۱۸، ج ۱۳: ۱۲۳).
۶. در مورد برداشته شدن حکم حرمت در صورت اضطرار و ضیق وقت مرحوم خویی، عدم امکان درک وقت حتی در یک رکعت نماز را شرط می‌داند (خویی، ۱۴۱۸، ج ۱۳: ۱۲۳)، اما مرحوم صاحب جواهر با اینکه نظرشان در مسأله، کراهت است اما بر فرض قول به حرمت هم، برای برداشته شدن حکم با اضطرار و ضیق وقت، چنین شرطی را لازم نمی‌دانند (صاحب جواهر، ۱۴۲۱، ج ۴: ۵۶۳).

اشتراکات آرای این دو فقیه:

۱. هر دو فقیه قول اول (حرمت و فساد) به طور مطلق را قبول ندارند. (صاحب جواهر، ۱۴۲۱، ج ۴: ۵۴۹؛ خویی، ۱۴۱۸، ج ۱۳: ۱۱۱-۱۱۲)
۲. هر دو قول به تفصیل را شاذ می‌دانند. (صاحب جواهر، ۱۴۲۱، ج ۴: ۵۴۷؛ خویی، ۱۴۱۸، ج ۱۳: ۱۱۰)
۳. هر دو، محرمیت و غیر محرمیت را دخیل در حکم نمی‌دانند. (صاحب جواهر، ۱۴۲۱، ج ۴: ۵۴۴؛ خویی، ۱۴۱۸، ج ۱۳: ۱۲۰)
۴. هر دو حائل و تفاوت مکان از حیث ارتفاع و پابینی را با شرایط مساوی رافع حکم می‌دانند. (صاحب جواهر، ۱۴۲۱، ج ۴: ۵۵۶-۵۵۷-۵۵۹-۵۶۰؛ خویی، ۱۴۱۸، ج ۱۳: ۱۱۴)
۵. هر دو در مورد اضطرار و ضیق وقت قایل به رفع حکم هستند. (صاحب جواهر، ۱۴۲۱، ج ۴: ۵۶۳؛ خویی، ۱۴۱۸، ج ۱۳: ۱۲۲)

نتیجه گیری

یافته های پژوهش نشان می دهد که در مورد تقدم زن بر مرد در نماز فرادا در مجموع سه قول وجود دارد که مرحوم صاحب جواهر قایل به کراهت تقدم زن است اما مرحوم خویی (ره) در فاصله ی کمتر از یک وجب (شبر) قایل به حرمت تقدم و فساد نماز و در فاصله ی یک وجب و بیشتر از آن قایل به کراهت است.

فهرست منابع

- ابن بابویه (شیخ صدوق)، محمد بن علی (۱۳۸۰). **علل الشرایع**. محمد جواد ذهنی تهرانی. چاپ ۱. قم: مؤمنین.
- ابن براج، عبدالعزیز بن نحری (۱۴۰۶). **المهذب**. چاپ ۱. قم: جامعة المدرسين في الحوزة العلمية بقم. مؤسسة النشر الإسلامي.
- ابن حمزه، محمد بن علی (۱۴۰۸). **الوسيلة الى نيل الفضيلة**. چاپ ۱. قم: مكتبة آية الله العظمى المرعشي النجفي (ره).
- ابن زهره، حمزه بن علی (۱۴۱۷). **غنية النزوع الى علمي الأصول و الفروع**. چاپ ۱. قم: مؤسسة الإمام الصادق عليه السلام.
- ابن فارس، احمد بن فارس (۱۴۰۴). **معجم مقائيس اللغة**. قم: مكتب الاعلام الاسلامي، مركز النشر.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (بدون تاريخ). **لسان العرب**. بيروت: دارالفکر للطباعة و النشر و التوزيع.
- بضمه جی (۲۰۰۹). **معجم مصطلحات ألفاظ الفقه الاسلامی**. دمشق سوریه: صفحات للدراسات و النشر.
- بهبودی، محمد باقر (۱۳۷۰). **گزیده تهذیب**. چاپ ۱. تهران: انتشارات کویر.
- **تارنمای ویکی فقه** (<http://fa.wikifeqh.ir/>).
- جمعی از پژوهشگران (۱۴۲۳). **موسوعة الفقه الإسلامی طبقاً لمذهب أهل البيت عليهم السلام**. چاپ ۱. قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹). **وسائل الشیعه**. چاپ ۱. قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
- حلبی، علی بن حسن (۱۴۱۴). **اشارة السبق**. چاپ ۱. قم: جامعة المدرسين في الحوزة العلمية بقم. مؤسسة النشر الإسلامي.
- حمیری، عبدالله بن جعفر (۱۴۱۳). **قرب الإسناد**. چاپ ۱. قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
- خلیل بن احمد (۱۴۰۹). **العین**. چاپ ۲. قم: مؤسسة دار الهجرة.
- خوئی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۸). **موسوعة الإمام الخوئي**. چاپ ۱. قم: مؤسسة إحياء آثار الامام الخوئي.

- شهرکانی، ابراهیم اسماعیل (۱۴۳۰). معجم المصطلحات الفقهية. چاپ ۱. قم: ذوی القربی.
- صاحب جواهر، محمد بن حسن بن باقر (۱۴۲۱). جواهر الکلام. چاپ ۱. قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت (علیهم السلام).
- طوسی، محمد بن حسن (۱۳۸۷). المبسوط في الفقه الإمامية. چاپ ۳. تهران: مكتبة المرتضوية.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۰). النهاية في مجرد الفقه و الفتاوى. چاپ ۲. بیروت: دار الكتاب العربي.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۷). الخلاف. چاپ ۱. قم: جامعة المدرسين في الحوزة العلمية بقم. مؤسسة النشر الإسلامي.
- فاضل هندی، محمد بن حسن (۱۴۱۶). كشف اللثام. چاپ ۱. قم: جامعة مدرسين حوزة علمیه قم، مؤسسه نشر اسلامی.
- مروج، حسین (۱۳۷۹). اصطلاحات فقهی. چاپ ۱. قم: بخشایش.
- مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۰). المقنعه. چاپ ۲. قم: جامعة مدرسين حوزة علمیه قم، مؤسسه نشر اسلامی.
- نوری، حسین بن محمدتقی (۱۴۰۸). مستدرک الوسائل. چاپ ۱. لبنان: مؤسسة آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث.
- هاشمی شاهرودی، محمود (۱۳۸۲). فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام. چاپ ۱. قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام.